

الزامات تحقق تأمین مالی بالادست نفت و گاز در شرایط تحریم

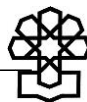
معاونت پژوهش‌های زیربنایی و امور تولیدی
دفتر: مطالعات انرژی، صنعت و معدن

کد موضوعی: ۳۱۰
شماره مسلسل: ۱۶۱۶۳
آذرماه ۱۳۹۷

به نام خدا

فهرست مطالب

۱.....	چکیده.....
۲.....	مقدمه.....
۲.....	۱. مروری بر قوانین مرتبط.....
۵.....	۲. تشریح رویه جاری تأمین مالی نفت و چالش‌های آن.....
۱۰.....	۳. پیشنهادهای اصلاحی در خصوص چالش‌ها.....
۱۷.....	نتیجه‌گیری.....



الزامات تحقق تأمین مالی بالادست نفت و گاز در شرایط تحریم

چکیده

صنعت نفت به‌عنوان حیاتی‌ترین صنعت کشور بسیار تحت تأثیر شرایط بین‌المللی کشور است. در صورت ایجاد محدودیت‌های جدی در روابط اقتصادی بین‌المللی از طریق وضع تحریم‌ها، مشخصاً صنعت نفت هدف قرار گرفته و آسیب‌پذیری بالایی از خود نشان می‌دهد که عمده آن در دو بخش سرمایه‌گذاری و فروش نفت است.

در حال حاضر رویه‌های جاری وزارت نفت برای تأمین مالی جهت سرمایه‌گذاری عمدتاً از ۴ مسیر منابع داخلی وزارت نفت، صندوق توسعه ملی، انعقاد قراردادهای نفتی و انتشار اوراق مشارکت است که هر یک دارای مشکلات ساختاری خاص خود بوده و فاقد کارایی لازم است. لذا لازم است رویکردهای جدیدی در دستور کار قرار گیرد که بر چهار محور سرمایه‌گذاری صرفاً از طریق انعقاد قرارداد نفتی از طریق وزارت نفت؛ اعمال تغییرات لازم در قراردادهای نفتی برای عقد قرارداد با شرکت‌های نفتی ایرانی، افزایش مصارف ریالی پروژه‌ها با افزایش مصرف تجهیزات و خدمات داخلی و تأمین مالی ریالی از بازار سرمایه، استوار است.

برای تحقق عملیاتی این رویکردها نیاز است تغییراتی در حوزه عملکرد وزارت نفت، صندوق توسعه ملی، شرکت‌های نفتی ایرانی و همچنین قراردادهای نفتی اعمال شود.

مقدمه

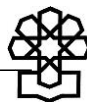
در حال حاضر موضوع سرمایه‌گذاری در بالادست صنعت نفت شامل اکتشاف، توسعه و بهره‌برداری از میادین نفت و گاز، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است که از دلایل اصلی آن بالا بودن میانگین عمر تأسیسات سطح‌الارضی و ورود به نیمه دوم عمر میادین بزرگ و اصلی نفت است. لذا هرگونه تأخیر و کوتاهی در تحقق سرمایه‌گذاری مورد نیاز در درجه اول به کاهش ظرفیت تولید نفت، گاز طبیعی و سایر مشتقات آنها از سطح فعلی منجر شده و درجه دوم موجب کاهش سطح ایمنی و افزایش حوادث ناگوار خواهد شد.

طراحی سازوکاری برای هدایت و جذب سرمایه‌های داخلی کشور به سمت پروژه‌های کلان نفتی با توجه به حجم بالای نقدینگی موجود در کشور که بالغ بر ۱۶۰۰ هزار میلیارد تومان است، امری است که دارای مزایا و فواید متعددی برای کشور است. هرچند که با وجود سرمایه‌گذاری خارجی نیز این گزینه می‌توانست یکی از گزینه‌های مد نظر وزارت نفت برای تأمین مالی پروژه‌های کلان نفتی قرار گیرد، اما با شرایط و نگرانی‌های به‌وجود آمده در زمینه ورود سرمایه خارجی، به‌عنوان تنها گزینه پیش‌روی کشور، مطرح خواهد بود.

در این گزارش بعد از مرور قوانین مرتبط با تأمین مالی صنعت نفت به تشریح چگونگی تأمین مالی صنعت نفت پرداخته شد. سپس پیشنهادهای اصلاحی درخصوص رویکردهای جدید تأمین مالی صنعت نفت ارائه می‌شود.

۱. مروری بر قوانین مرتبط

در قوانین مختلف به موضوع تأمین مالی صنعت نفت اشاره شده است که در ادامه به آن می‌پردازیم.



● برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب سال ۱۳۹۵

ماده (۴) - بند «ح»: توسعه بازار انرژی و عرضه نفت خام و فراورده‌های نفتی در بورس انرژی.

ماده (۴۴) - بند «الف» - جزء «۲»: تسهیلات لازم برای ایجاد ظرفیت پالایش جدید.

ماده (۴۴) - بند «الف» - جزء «۳»: تضمین خوراک لازم برای واحدهای مجتمع‌های تولیدی پتروشیمی برای جلب سرمایه‌گذاری بخش غیردولتی.

ماده (۴۸) - بند «ج» - جزء «۱»: اجازه حضور شرکت‌های بخش خصوصی و تعاونی و نهادهای عمومی غیردولتی در فعالیت‌های اکتشاف، تولید و بهره‌برداری (نه مالکیت) میداین نفت و گاز به‌ویژه میداین مشترک در چارچوب سیاست‌های کلی اصل چهل‌وچهارم قانون اساسی.

ماده (۶۵) - بند «الف»: اعطای تسهیلات لازم به شرکت‌های دانش‌بنیان در داخل کشور با مشارکت شرکت‌های خارجی صاحب صلاحیت و دارای دانش برای طراحی، مهندسی، ساخت، نصب تجهیزات و انتقال فناوری در حوزه‌های انرژی شامل بالادستی و پایین‌دستی نفت و گاز.

● قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۲)

مصوب سال ۱۳۹۳

ماده (۱) - بند «ی»: تکلیف دولت به ازدیاد سهم برداشت ایران از نفت خام، میعانات گازی و گاز از مخازن مشترک،

- تکلیف دولت به رساندن ظرفیت تولید محصولات پتروشیمی به حداقل صد میلیون

تن در سال،

- تکلیف دولت به رساندن ظرفیت پالایش نفت خام و میعانات گازی در داخل کشور به حداقل پنج میلیون بشکه در روز.

ماده (۵۵): اجازه احداث واحدهای صنعتی وابسته به نفت و گاز مانند پالایشگاه‌های گاز و نفت و پتروشیمی با بخش غیردولتی، خصوصی و تعاونی با رعایت ماده (۳) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی.

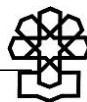
• قانون بودجه کل کشور سال ۱۳۹۷

تبصره «۱» - بند «و»: اجازه به بانک‌ها برای پرداخت تسهیلات با تضمین وزارت نفت تا مبلغ پنجاههزار میلیارد (۵۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال به شرکت دولتی تابعه جهت اجرای خطوط گازرسانی به روستاها و شهرهای فاقد گاز.

تبصره «۱» - بند «ز»: اجازه به وزارت نفت برای پرداخت تا مبلغ پنجاههزار میلیارد (۵۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال در اجرای ماده (۱۲) قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور به منظور تسریع گازرسانی به روستاها و اتمام طرح (پروژه)های نیمه تمام گازرسانی به روستاها.

تبصره «۴» - بند «الف»: اجازه به بانک‌های عامل برای اعطای تسهیلات ارزی به سرمایه‌گذاران بخش‌های خصوصی، تعاونی و نهادهای عمومی غیردولتی برای طرح‌های توسعه‌ای بالادستی نفت و گاز با اولویت میادین مشترک و جمع‌آوری گازهای همراه بدون انتقال مالکیت نفت و گاز موجود در مخازن و تولیدی از آنها.

تبصره «۵» - بند «ط»: اجازه انتشار اوراق مالی اسلامی (ریالی یا ارزی) در سقف سی و پنج هزار میلیارد (۳۵,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال به منظور سرمایه‌گذاری در



طرح‌های نفت و گاز؛

تبصره «۵»- بند «ی»: اجازه انتشار اوراق مالی اسلامی (ریالی یا ارزی) تا سقف معادل سه میلیارد (۳,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) دلار برای بازپرداخت اصل و سود اوراق ارزی - ریالی سررسید شده، تسهیلات بانکی و تضامین سررسید شده و همچنین بازپرداخت بدهی‌های سررسید شده به پیمانکاران قراردادهای بیع متقابل طرح‌های بالادستی نفت و گاز. همان‌طور که مشاهده می‌شود در قوانین مذکور فقط بر ارائه تسهیلات بانکی به سرمایه‌گذاران صنعت نفت و یا انتشار اوراق مشارکت تأکید شده و روش دیگری برای تأمین مالی صنعت نفت مد نظر قرار نگرفته است. البته اجازه حضور شرکت‌های بخش خصوصی و تعاونی و نهادهای عمومی غیردولتی در فعالیت‌های اکتشاف، تولید و بهره‌برداری (نه مالکیت) میادین نفت و گاز به‌ویژه میادین مشترک (برنامه ششم - ماده ۴۸) - بند «ج» - جزء «۱») و اجازه احداث واحدهای صنعتی وابسته به نفت و گاز مانند پالایشگاه‌های گاز و نفت و پتروشیمی با بخش غیردولتی، خصوصی و تعاونی (قانون تنظیم ماده ۲ (۵۵)) گام مهمی برای شکل‌دهی طرح تأمین مالی طرح تأمین مالی صنعت نفت از بازار مالی داخلی است.

۲. تشریح رویه جاری تأمین مالی نفت و چالش‌های آن

در بخش سرمایه‌گذاری در بالادست صنعت نفت، رویه جاری کشور شامل روش‌های ذیل می‌شود:

۲-۱. تأمین مالی از محل منابع داخلی شرکت ملی نفت (سهم ۱۴/۵ درصد از صادرات نفت و میعانات گازی)

در جدول سهم ۱۴/۵ درصدی شرکت ملی نفت در سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۵ را نشان می‌دهد. این منابع صرف هزینه‌های جاری شامل حقوق و دستمزد و هزینه‌های نگهداشت تولید شده و آنچه به صورت ذخیره استهلاک شرکت در نظر گرفته شده بابت مصارف سرمایه‌ای و بازپرداخت تسهیلات، اوراق مشارکت و تعهدات بیع متقابل اختصاص می‌یابد.

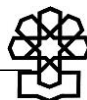
جدول سهم ۱۴/۵ درصد شرکت ملی نفت ایران از

درآمدهای نفت و گاز (میلیارد ریال)

سال	رقم
۱۳۹۱	۱۵۷,۷۱۵/۹
۱۳۹۲	۲۲۰,۶۷۸/۹
۱۳۹۳	۱۹۰,۹۶۸/۳
۱۳۹۴	۱۶۰,۵۴۹/۸
۱۳۹۵	۲۷۷,۲۷۹/۸
۱۳۹۶	۲۹۰,۸۹۵
۱۳۹۷	۲۹۴,۴۹۷

مأخذ: از سال ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۵ براساس گزارش تفریغ بودجه و سال ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ بر اساس لایحه بودجه.

مطابق لایحه بودجه سال ۱۳۹۷ کل کشور، منابع شرکت ملی نفت ایران حدود ۱۰۰۴ هزار میلیارد ریال (۲۸/۶۷ میلیارد دلار) پیش‌بینی شده است. این میزان از منابع از محل‌های زیر تأمین می‌شود: از محل ذخیره استهلاک و اندوخته سرمایه‌ای ۲۰۳ هزار



میلیارد ریال، از وام‌های داخلی ۱۹۰ هزار میلیارد ریال، از محل وام خارجی ۲۲۵ هزار میلیارد ریال و از محل سایر دریافت‌ها ۳۸۶ هزار میلیارد ریال.

نکات حائز اهمیت در بخش منابع شرکت ملی نفت به شرح زیر است:

● بیش از ۳۸ هزار میلیارد تومان (۱۱ میلیارد دلار) منابع از محل سایر دریافت‌هاست که تحقق آن بعید است بسیار سخت پیش‌بینی می‌شود.

● از محل وام‌های داخلی حدود ۱۹ هزار میلیارد تومان (حدود ۵/۴ میلیارد دلار) منابع برای شرکت ملی نفت در نظر گرفته شده که با توجه به عدم توانایی شرکت در بازپرداخت بدهی‌های قبلی تحقق آن دور از انتظار است.

● بیش از ۲۲ هزار میلیارد تومان (حدود ۶/۴ میلیارد دلار) از محل وام خارجی بوده که تحقق آن به انعقاد قراردادهای نفتی با سرمایه‌گذاران خارجی منوط است.

● بیش از ۲۰ هزار میلیارد تومان (معادل ۵/۸ میلیارد دلار) منابع شرکت از محل ذخایر و اندوخته‌ها تأمین خواهد شد. در واقع می‌توان گفت تنها منابع مطمئن شرکت بدون وام خارجی و داخلی همین ۲۰ هزار میلیارد تومان است.

مطابق لایحه بودجه سال ۱۳۹۷ کل کشور مصارف شرکت ملی نفت ایران، در مجموع بیش از ۱۰۰۴ هزار میلیارد ریال پیش‌بینی شده است که ۴۹۱ هزار میلیارد ریال برای سرمایه‌گذاری (حدود ۱۴ میلیارد دلار) و ۵۱۳ هزار میلیارد ریال (حدود ۱۴/۶ میلیارد دلار) برای بازپرداخت بدهی در قالب سه عنوان «وام ماده (۳۲) و سایر وام‌ها»، «وام خارجی» و «بازپرداخت ودیعه بدهی‌ها و سایر پرداخت‌ها» در نظر گرفته شده است. نکات حائز اهمیت در بخش مصارف شرکت ملی نفت عبارتند از:

با توجه به اینکه حدود ۵۱ هزار میلیارد تومان به‌منظور بازپرداخت‌ها بدهی‌های

شرکت در سال ۱۳۹۷ در نظر گرفته شده است، همه منابع مطمئن شرکت (۲۰ هزار میلیارد تومان) هم تکافوی این بازپرداخت را نخواهد کرد.

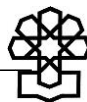
تحقق هزینه‌های سرمایه‌ای شرکت ملی نفت ایران وابسته به منابعی است که تحقق آنها دور از انتظار پیش‌بینی می‌شود.

در نتیجه می‌توان گفت که سهم شرکت ملی نفت ایران از محل ۱۴/۵ درصد که خود را به صورت ذخیره استهلاک و اندوخته قانونی در منابع شرکت نشان می‌دهد، به هیچ‌وجه نه تنها جوابگوی نیازهای سرمایه‌ای شرکت نیست، بلکه از عهده بازپرداخت بدهی‌های کلان شرکت نیز بر نمی‌آید.

۲-۲. انعقاد قراردادهای نفتی با شرکت‌های نفتی داخلی و خارجی

با توجه به محدودیت‌های پیش رو امکان انعقاد قراردادهای نفتی با شرکت‌های نفتی خارجی بسیار ضعیف می‌شود که از نشانه‌های آن خروج شرکت‌های نفتی خارجی با قراردادهای نفتی فعال (تنفیذ شده) و ترک مذاکره قراردادهای در شرف انعقاد از سوی شرکت‌های نفتی خارجی است.

این موضوع در خصوص شرکت‌های نفتی ایرانی خود را به‌گونه‌ای دیگر نشان داده؛ به این معنی که این شرکت‌ها محدودیتی در ادامه کار در صنعت نفت ایران ندارند، ولی با توجه به محدودیت‌های بین‌المللی شکل گرفته با مسائل دیگری مواجه هستند که از آن جمله می‌توان به افزایش هزینه‌های تأمین تجهیزات خارجی، احتمال بروز تأخیر در بازپرداخت‌های شرکت ملی نفت به دلیل کاهش صادرات نفت، عدم امکان تأمین مالی خارجی و مشارکت با شرکت‌های نفتی خارجی اشاره کرد.



۳-۲. استفاده از منابع صندوق توسعه ملی

طبق آخرین گزارش صندوق توسعه ملی از ابتدای تأسیس صندوق تا انتهای آذرماه ۱۳۹۶، ارزش طرح‌های بالادستی نفت و گاز اعلام وصول شده معادل مبلغ ۱۶/۷ میلیارد دلار، مربوط به ۱۱ فقره طرح است که برای تمام آنها معادل ۱۶/۷ میلیارد دلار مسدودی صادر شده است. طرح‌های دارای مسدودی، مجموعاً به میزان معادل ۱۰/۹ میلیارد دلار موفق به گشایش اعتبار شده‌اند که بابت آنها معادل مبلغ ۶/۹ میلیارد دلار پرداخت شده است.

با توجه به ارجاعات بیش از حد در حوزه‌های مختلف به صندوق، این محل ظرفیت به‌کارگیری بیش از حد فعلی برای صنعت نفت را ندارد. هرچند با توجه به درآمدهای ارزی حاصل از سرمایه‌گذاری در صنعت نفت، از بهترین مصارف منابع آن محسوب می‌شود و تاکنون نیز به‌صورت تجمعی بالاترین تخصیص را به این صنعت داشته است.

۴-۲. تأمین مالی از طریق انتشار اوراق مشارکت

انتشار اوراق مشارکت، از شیوه‌های تأمین مالی صنعت نفت محسوب می‌شود که بارها به‌کارگیری شده، اما به دو دلیل کارایی آن به‌شدت تضعیف شده است که باید مرتفع شود؛ اولاً اوراق منتشره در این خصوص مشخصاً برای پروژه‌ای خاص نبوده و به‌صورت کلان منتشر شده است که این موضوع موجب انحراف در تخصیص منابع حاصل از انتشار آنها شده و متناسب با مصرف این منابع پیشرفت در پروژه‌ها صورت نگرفته است. ثانیاً از آنجا که در میادین تحت اختیار شرکت ملی نفت، این شرکت هم کارفرما محسوب می‌شود و هم پیمانکار، منابع حاصله به خوبی در پروژه مصرف نشده است. در نتیجه علی‌رغم مصرف منابع حاصل از انتشار اوراق، کشور و شرکت ملی نفت از عواید اجرای پروژه منتفع نشده

و مجموعه‌ای از بدهی‌ها برای شرکت ملی نفت ایجاد کرده است. آخرین اوراق مشارکت توسط شرکت ملی نفت در ۲۶ اسفندماه ۱۳۹۴ منتشر و عرضه شده که ۵۰۰۰ هزار میلیارد تومان بوده است.

۳. پیشنهادهای اصلاحی در خصوص چالش‌ها

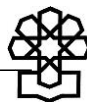
رویه‌های جاری وزارت نفت برای تأمین مالی جهت سرمایه‌گذاری عمدتاً دچار مشکلات ساختاری است و ضروری است رویکردهای جدید در دستور کار قرار گیرد. محور این رویکردها به شرح ذیل است:

- جذب سرمایه‌گذاری به صورت انحصاری از مسیر انعقاد قراردادهای نفتی توسط وزارت نفت به عنوان طرف اول قرارداد و واگذاری توسعه و بهره‌برداری میداین نفت و گاز به شرکت‌های نفتی ایرانی اعم از دولتی و غیردولتی.

این موضوع با ایجاد شفافیت در روابط مالی، موجب شکل‌گیری و ارتقای کسب‌وکار در این حوزه شده که نتیجه آن افزایش کارایی و ریسک‌پذیری شرکت‌های نفتی داخلی و کاهش وابستگی کشور به شرکت‌های نفتی خارجی می‌شود.

- اتخاذ تدابیر ویژه از سوی وزارت نفت برای افزایش مصرف کالا و خدمات ایرانی در قراردادهای منعقد شده جهت افزایش مصارف ریالی در پروژه‌ها.

این اقدام با افزایش مصارف ریالی پروژه، تأمین مالی آن را به شدت تسهیل کرده و نیازهای ارزی را به شدت کاهش می‌دهد که همین موضوع موجب تسریع در فرایند سرمایه‌گذاری می‌شود. ضمناً جذب منابع ریالی جهت سرمایه‌گذاری در صنعت نفت



به دلیل حجم بالای مصارف مورد نیاز، موجب جذب نقدینگی جامعه در صنعت جذاب نفت شده و مانع رونق بازارهای غیرمولد همچون طلا و ارز می شود.

• تأمین مالی ریالی از بازار سرمایه با استفاده از ابزارهای مالی متناسب با پروژه‌های نفتی، اساسی‌ترین شیوه تأمین مالی در شرایط کنونی است.

در حال حاضر ابزارهای متنوعی در بازار سرمایه شکل گرفته‌اند که با شرایط مورد نیاز صنعت نفت برای سرمایه‌گذاری تناسب دارند. از آن جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- صکوک اجاره،

- صکوک سلف موازی،

- صکوک استصناع،

- صندوق پروژه.

- به علاوه، زمینه‌سازی برای عرضه سهام شرکت ملی نفت ایران در بورس اوراق بهادار یکی از مهم‌ترین راه‌های تأمین مالی شرکت ملی نفت ایران است و تحقق این موضوع نیازمند تجدید ارزیابی دارایی شرکت ملی نفت و البته اجازه قانونگذار است.

• ایجاد تغییرات لازم در قراردادهای نفتی جهت تطبیق با شرایط لازم برای بهره‌گیری از منابع بازار سرمایه.

برای انعقاد قرارداد با شرکت‌های نفتی ایرانی به‌عنوان بازیگران اصلی مد نظر جهت سرمایه‌گذاری، تغییراتی در قراردادهای نفتی لازم است تا شرایط لازم مهیا شود. البته این اصلاحات بدون نیاز به تغییر در ساختار کلان قراردادهای جدید نفتی بوده و ناقض مصوبه هیئت وزیران در این خصوص نخواهد بود.

۱-۳. تغییرات مد نظر، ناظر به اصلاحات پیشنهادی

بر این اساس در حوزه‌های مختلف تغییرات ذیل پیشنهاد می‌شود:

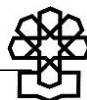
الف) در حوزه وزارت نفت

• برای تأمین مالی موفق شرکت ملی نفت ایران از داخل، ضروری است رابطه مالی شرکت ملی نفت با دولت اصلاح شود؛ به این صورت که به استناد قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت مصوب ۱۳۹۱، وزارت نفت موظف به تفکیک مخازن در اختیار شرکت ملی نفت و صدور پروانه توسعه و بهره‌برداری برای هر کدام از مخازن است. در نتیجه لازم است، ناظر به هر پروانه، قراردادی مستقل در قالب قرارداد جدید نفتی منعقد شود. بر این اساس سهم‌بری شرکت ملی نفت از تولید نفت و میعانات (۵/۱۴ درصد) حذف شده و جایگزین آن پرداخت به صورت حق‌الزحمه برای هر بشکه نفت / مترمکعب گاز تولیدی بر پایه اجرای تعهدات قراردادی ازسوی این شرکت خواهد بود. به عبارت دیگر به شرکت ملی نفت همانند سایر شرکت‌های نفتی که دارای قرارداد منعقد شده با وزارت نفت هستند، در قالب قرارداد و از محل ۵۰ درصد اضافه تولید صورت‌گرفته از میدان، بازپرداخت‌های قراردادی صورت می‌گیرد و برای تحقق این موضوع لازم است ساختار وزارت نفت برای ایفای وظایف طرف اول قراردادهای نفتی تقویت شود.

بر پایه قراردادهای منعقد شده برای شرکت ملی نفت، امکان تأمین مالی پروژه‌های به جای تأمین مالی شرکتی فراهم خواهد شد که با توجه به بدهی‌های سنگین این شرکت، تأمین مالی بدون رجوع به ترازنامه بسیار راهگشا خواهد بود.

این موضوع باعث فعال شدن شرکت ملی نفت در سرمایه‌گذاری و افزایش

کارایی این شرکت می‌شود. همچنین موجبات یکسان‌سازی نحوه فعالیت شرکت



ملی نفت با سایر شرکت‌های نفتی را فراهم می‌کند.

• وزارت نفت باید با ایجاد سامانه‌ای لیست تجهیزات و خدمات داخلی (ایرانی) مورد تأیید خود را به همراه هزینه به‌کارگیری آنها و همراه دیگر جزئیات شامل کیفیت و موارد مصرف پیشنهادی را فراهم کند. این سامانه باید با دقت و سرعت بالا به‌روزرسانی شود.

قراردادهای نفتی به‌گونه‌ای تنظیم شود که تمامی پیمانکاران یا شرکت‌های نفتی طرف قرارداد با وزارت نفت مکلف شوند در تمامی موضوعات قراردادی و سرمایه‌گذاری به این سامانه مراجعه و تمامی موارد مورد نیاز خود را در صورت وجود، از داخل تأمینکنند. در هر مورد عدم رعایت این موضوع توسط طرف دوم قراردادهای وزارت نفت، علت باید به دقت به وزارت نفت گزارش شود و در صورت لزوم جرائم طبق قرارداد اخذ شود.

این موضوع موجب ایجاد شفافیت در توان داخل کشور در حوزه خدمات و تجهیزات داخلی شده و می‌توان براساس آن سازوکارهای لازم حمایت از توان داخلی فراهم کرد. حمایت از توان داخلی نیز ضمن کاهش وابستگی به خارج، موجب بی‌اثر شدن محدودیت‌های ارزی کشور و ایجاد اشتغال می‌شود.

(ب) در حوزه قراردادهای نفتی

• در تمامی قراردادهای منعقد شده با شرکت‌های نفتی ایرانی در قالب قراردادهای جدید نفتی، باید مالکیت تأسیسات سطح‌الارضی به این شرکت‌ها به‌عنوان طرف دوم قرارداد تا زمان اتمام مدت قرارداد منتقل شود. درواقع این قراردادها به نوعی تبدیل به BOOT^۱ خواهند شد. این موضوع سبب می‌شود شرکت‌های نفتی ایرانی طرف قرارداد بتوانند از این دارایی‌ها به‌عنوان ضمانت

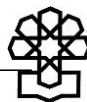
تأمین مالی داخلی از بازار سرمایه استفاده کرده و منابع ریالی لازم را جذب کنند.

اجرای اقدام فوق ضمن تسهیل در فرایند تأمین مالی از داخل کشور برای شرکت‌های نفتی داخلی، موجب خرید خدمات و تجهیزات داخلی موجود در داخل کشور، معرفی شده در سامانه خدمات و تجهیزات داخلی می‌شود.

• قراردادهای نفتی باید به‌گونه‌ای تنظیم شود که شرکت‌های ایرانی طرف قرارداد بتوانند بابت بازپرداخت هزینه‌ها و حق‌الزحمه خود به جای پول، محصول تولیدی میدان یعنی نفت یا میعانات گازی (in Kind Payment) را برای بازه‌های زمانی بلندمدت تحویل بگیرند. در واقع نکته اصلی کوتاه‌مدت نبودن قرارداد فروش محصول تولیدی است تا این شرکت‌ها بتوانند روابط تجاری خود را شکل دهند.

باید توجه شود که با توجه به وقوع تحریم‌های فروش نفت، درآمدهای حاصل از فروش نفت کاهش خواهد یافت و احتمالاً وزارت نفت جهت بازپرداخت سرمایه‌گذاری صورت‌گرفته دچار مشکل خواهد شد. لذا دریافت محصول به جای پول توسط شرکت‌های نفتی طرف قرارداد با وزارت نفت، امری حیاتی جهت تحقق بازگشت سرمایه آنهاست. ضمن اینکه این اقدام حلقه تجارت را نیز به شرکت‌های نفتی ایرانی اضافه خواهد کرد که در واقع موجب تقویت یکپارچگی عمودی آنها شده و ساختاری مشابه شرکت‌های نفتی بین‌المللی پیدا خواهند کرد. همچنین دارا بودن نفت یا سایر فراورده‌های نفتی موجب تسهیل در تأمین مالی ارزی جهت تهیه کالاها و سرویس‌های غیرایرانی خواهد شد.

این اقدام موجب می‌شود شرکت‌های نفتی از تأخیر باز پرداخت‌های خود در امان مانده و متضرر نشوند. ضمن اینکه از محصول تولیدی می‌توانند به‌عنوان ضمانت جهت تأمین مالی داخلی یا خارجی استفاده کنند و یا از محل ارز حاصل



از فروش جهت تأمین کالا و خدمات خارجی بهره‌مند شوند.

• پارامترهای قراردادهای نفتی با شرکت‌های نفتی ایرانی باید به‌گونه‌ای تنظیم شود که از انعطاف لازم نسبت به قرارداد با شرکت‌های خارجی برخوردار باشد؛ بدون اینکه در ساختار قرارداد و تعهدات قراردادی طرفین خدشه‌ای وارد شده و ریسک پیمانکار به کارفرما منتقل شود.

این اقدام موجب حداکثرسازی استفاده از ظرفیت شرکت‌های نفتی ایرانی می‌شود.

ج) در حوزه صندوق توسعه ملی

• صندوق توسعه ملی صرفاً جهت تأمین مالی ارزی برای آن دسته از خدمات و تجهیزات خارجی اقدام کند که امکان تأمین آن از داخل وجود نداشته باشد. برای تحقق این موضوع شرکت‌های طرف قرارداد از وزارت نفت موظف هستند در هر مورد تأییدیه وزارت نفت مبنی بر عدم امکان تأمین از داخل کشور را اخذ کنند. وزارت نفت نیز موظف است براساس رجوع به سامانه خدمات و تجهیزات داخلی، اقدام به صدور یا عدم صدور تأییدیه لازم برای شرکت طرف قرارداد خود جهت ارائه به صندوق توسعه ملی کند.

اجرای اقدام فوق موجب بهره‌گیری از منابع محدود ارزی صندوق توسعه

ملی صرفاً برای تأمین مواردی می‌شود که امکان تهیه آنها از داخل وجود ندارد.

• صندوق توسعه ملی باید با ایجاد سازوکارهای لازم ترتیباتی را فراهم کند که بتواند به‌عنوان ضامن (اجرای رکن ضامن) در فرایند تأمین مالی از بازار بورس اوراق بهادار نقش ایفا کند. در این خصوص صندوق توسعه ملی می‌تواند با کمک سایر نهادهای پولی و مالی، ضمن اعتبارسنجی شرکت‌های طرف قرارداد با وزارت نفت، از دارایی‌های شرکت یا پروژه

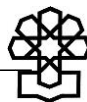
و همچنین محصولات پروژه به‌عنوان وثائق قابل مصادره به نفع خود استفاده کند. اجرای اقدام فوق موجب می‌شود اولاً از منابع محدود صندوق توسعه ملی به صورت اهرمی استفاده شود؛ ثانیاً بدون تبدیل منابع ارزی صندوق توسعه ملی به ریال، از این منابع برای تأمین مالی ریالی استفاده شود. همچنین با توجه به فراهم شدن امکان تأمین مالی ریالی، خرید خدمات و تجهیزات داخلی موجود در داخل کشور (معرفی‌شده در سامانه خدمات و تجهیزات داخلی) تقویت می‌شود.

• صندوق توسعه ملی باید با ایجاد سازوکارهای لازم ترتیبی را فراهم کند که بتواند دارایی‌های پروژه و محصولات تولیدی میدان (نفت، گاز و میعانات) را به‌عنوان ضمانت از شرکت‌های نفتی ایرانی قبول کند.

این موضوع موجب تسهیل در روابط مالی صندوق توسعه ملی با شرکت‌های نفتی ایرانی از حیث تأمین ضمانت‌های لازم می‌شود.

د) در حوزه شرکت‌های نفتی ایرانی

• شرکت‌های نفتی ایرانی (E&P) باید هزینه‌های پروژه را به‌گونه‌ای مدیریت کنند که هزینه‌های ریالی آنها بیشینه شود؛ به‌عبارت دیگر بیش‌ترین استفاده از توان داخلی جهت تأمین خدمات و تجهیزات مورد نیاز پروژه باید دستور کار شرکت نفتی ایرانی قرار گیرد. در این حالت این شرکت‌ها می‌توانند برای تأمین مالی ریالی خود به بازار سرمایه مراجعه کنند. در حال حاضر ابزارهای نوینی در بازار سرمایه به‌وجود آمده که اولاً می‌توانند مشارکت‌های مردمی را جلب کنند و ثانیاً از شرایط لازم برای تأمین مالی پروژه‌های نفتی



برخوردار هستند؛ صکوک استصناع و صندوق پروژه از آن جمله هستند.

افزایش هزینه‌های ریالی امکان تأمین مالی ریالی از بازار سرمایه را فراهم

ساخته و محدودیت‌های تأمین مالی ارزی را از بین می‌برد.

• شرکت‌های نفتی ایرانی در صورتی که بازپرداخت هزینه‌ها و حق‌الزحمه خود را به صورت نفت یا میعانات گازی دریافت کنند، می‌توانند از محل فروش یا تهاتر این محصولات نیازهای ارزی خود برای تأمین کالا و خدمات (غیرقابل تأمین از داخل کشور) را مرتفع کنند.

تأمین مالی ارزی مورد نیاز جهت تأمین کالا و خدمات مورد نیاز باید از محل فروش

محصول تولیدی میدان توسط شرکت‌های نفتی طرف قرارداد وزارت نفت صورت گیرد.

نتیجه‌گیری

جهت رفع مشکلات جاری سرمایه‌گذاری در صنعت نفت باید رویکردهای جدید اتخاذ شود که این رویکردها در چهار محور قرار می‌گیرند که عبارتند از:

الف) سرمایه‌گذاری صرفاً از طریق انعقاد قرارداد نفتی توسط وزارت نفت نه

شرکت ملی نفت،

ب) اعمال تغییرات لازم در قراردادهای نفتی برای عقد قرارداد با شرکت‌های نفتی ایرانی،

ج) افزایش مصارف ریالی پروژه‌ها با افزایش مصرف تجهیزات و خدمات داخلی،

د) تأمین مالی ریالی از بازار سرمایه به‌ویژه ایجاد زمینه لازم برای واگذاری

بخشی از سهام شرکت ملی نفت ایران.

برای تحقق عملیاتی این رویکردها نیاز است تغییراتی در عملکرد وزارت نفت، صندوق توسعه ملی، شرکت‌های نفتی ایرانی و همچنین قراردادهای نفتی اعمال شود که در هر مورد به تفصیل موارد لازم ارائه شد.

با اجرای اصلاحات فوق‌الذکر ضمن حل مشکلات موجود صنعت نفت در زمینه سرمایه‌گذاری و افزایش ظرفیت تولید نفت و گاز در کشور، نتایج ذیل حاصل می‌شود که همسو با منافع ملی است:

۱. اصلاح رابطه مالی بین شرکت ملی نفت با دولت و در نتیجه افزایش کارایی و فراهم شدن امکان سرمایه‌گذاری توسط این شرکت همانند سایر شرکت‌های نفتی.
۲. افزایش فعالیت شرکت‌های نفتی ایرانی در حوزه بالادست نفت و گاز کشور و متعاقباً رشد و ارتقای این شرکت‌ها و کاهش وابستگی به شرکت‌های نفتی خارجی.
۳. جذب نقدینگی جامعه از طریق بازار سرمایه جهت سرمایه‌گذاری در حوزه بالادست نفت و گاز و رونق صنعت نفت به جای بازارهای غیرمولد همچون طلا و ارز.
۴. افزایش مصرف تجهیزات و خدمات نفتی ایرانی در پروژه‌ها و در نتیجه افزایش اشتغال در صنعت نفت.

۵. استفاده اهرمی از منابع صندوق توسعه ملی و در نتیجه افزایش حجم منابع قابل تأمین از این محل برای سرمایه‌گذاری در صنعت در نفت.

در پایان لازم است، شرط موفقیت این روش‌ها، نظام مالی منظم و برقراری نظام طراحی و مطالعات فنی - اقتصادی بانک پایه دقیق در شرکت ملی نفت ایران است. در شرایطی که توانایی اجرای دقیق و به موقع پروژه‌ها وجود ندارد، هر روش تأمین مالی، مشکل تأمین مالی صنعت نفت را حل نخواهد کرد.



مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۶۱۶۳

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: الزامات تحقق تأمین مالی بالادست نفت و گاز در شرایط تحریم

نام دفتر: مطالعات انرژی، صنعت و معدن (گروه انرژی)

تهیه و تدوین کنندگان: امیرحسین تبیانیان، میثم پیله‌فروش، مسعود صباغی

مدیر مطالعه: فریدون اسعدی

اظهار نظر کنندگان: سیدغلامحسین حسن‌تاش، محمد چگینی، علی فریدزاد

ناظر علمی: حسین افشین

ویراستار تخصصی: —

ویراستار ادبی: —

واژه‌های کلیدی:

۱. صنعت نفت

۲. تأمین مالی

۳. سرمایه‌گذاری

۴. قوانین

۵. بودجه



تاریخ انتشار: ۱۳۹۷/۹/۶